

National Income

جریان دایره‌ای درآمد یک مفهوم برای درک بهتر از اقتصاد به‌عنوان یک کل است که در آن عمده جریان به‌وسیله مبادله پول، کالا و خدمات بین بخش‌های مختلف اقتصاد نمایش داده می‌شود. تجزیه و تحلیل این جریان دایره‌ای براساس حساب‌های ملی است. در ساده‌ترین حالت، به‌صورت یک اقتصاد ساده دو بخشی متشکل از بنگاه و خانوار نمایش داده می‌شود. خانوارها نیروی کار مورد نیاز بنگاه‌ها را برای تولید کالا و خدمات فراهم می‌کنند. بنگاه‌ها به خانوارها در ازای نیروی کاری که ارائه می‌دهند درآمد (حقوق) می‌پردازند. به‌علاوه، هزینه‌هایی که خریدار (خانوار) انجام می‌دهد، درآمد فروشندگان (بنگاه) می‌شود. بنگاه‌ها پس از اختصاص بخشی از این درآمد بین عوامل تولید مانند نیروی کار، سرمایه و مواد اولیه، آن را به تولیدکنندگان منتقل می‌کنند. آنها نیز آن را صرف تولید کالا می‌کنند که این منجر به ایجاد یک جریان دایره‌ای درآمد می‌شود. مدل سه بخشی شامل خانوار، بنگاه و دولت می‌شود. این مدل جریان از بخش خانوار و تولیدکننده به بخش دولت در قالب مالیات می‌باشد. درآمد بخش دولتی در قالب پرداختی‌های دولت برای کالاها و خدماتی که دریافت می‌کند، پرداخت یارانه‌ها، پرداخت به بخش تولید و بخش خانگی وارد جریان دایره‌ای می‌شود. در واقع در پاسخ به هر پرداخت یک دریافت وجود دارد و بدین شکل مخارج کل یک اقتصاد با درآمد کل آن یکسان می‌شود و یک جریان دایره‌ای وجود می‌آید. مدل چهار بخشی شامل خانوار، بنگاه، دولت، و بخش خارج می‌شود. هر یک از بخش‌های فوق دریافت‌هایی از دیگر بخش‌ها در ازای کالا و خدماتی که ارائه می‌دهند، دارند که یک جریان منظم از کالاها و خدمات و درآمد به وجود می‌آورد. باقی‌مانده درآمد هر بازار به‌عنوان پس‌انداز وارد بازار سرمایه می‌شود و بدین‌وسیله در بخش دولتی و بنگاه‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود. در این مدل مجموع تولیدات یک کشور علاوه بر واردات کالاها و خدمات از سایر کشورها به کشورهای دیگر صادر شده است. سرمایه‌گذاری می‌شود و توسط بخش‌های خصوصی و دولتی، مصرف می‌گردد. تا زمانی که میزان نشت با تزریق برابر است این جریان دایره‌ای به‌طور نامحدود ادامه خواهد داشت. در مدل پنج بخشی، بخش مالی به مدل چهار

بخشی اضافه می‌شود.

حسابداری درآمد ملی برای تعیین سطح فعالیت‌های یک کشور به‌کار می‌رود. ابهامات و پیچیدگی‌هایی در تعریف درآمد ملی وجود دارد. باین‌وجود، اساساً درآمد ملی مربوط به درآمد کسب شده توسط یک ملت از طریق فعالیت‌های کارا است. برخی از این ابهامات در تعاریف مختلفی است که از فعالیت کارا ارائه می‌شود. مرزبندی بین اینکه کدام فعالیت کارا و کدام غیرکارا است آسان نیست. از این‌رو در کشورهای مختلف از تقسیم‌بندی متفاوتی استفاده شده است. از این‌رو نهادهای بین‌المللی با پایه‌ریزی سیستم حساب‌های ملی که به SNA معروف است. سیستم حساب‌های ملی مجموعه‌ای استاندارد از توصیه‌های توافق شده در سطح بین‌المللی است که چگونگی اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی را طبق پیمان‌های حسابداری برطبق اصول اقتصادی بیان می‌کند. این توصیه‌ها به‌صورت مجموعه‌ای از تعاریف و مفاهیم و بیان شده‌اند که از استانداردهای توافق شده در سطح بین‌المللی برای محاسبه اقلامی چون محصول ناخالص ملی و درآمد ملی و سایر اقلام مشابه استفاده می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴). نسخه اول این سیستم که در سال ۱۹۵۲ (United Nations, 1953) منتشر شد که به نحوه اندازه‌گیری درآمد ملی و ساختن حساب‌های اجتماعی مبتنی بر کار ریچارد استون پرداخته است. به مرور نسخه‌های تکامل یافته‌تر تهیه شده است. آخرین نسخه در سال ۲۰۰۸ تهیه شده است. روش عملی برای محاسبه درآمد ملی در سه روش زیر خلاصه می‌شود.

۱. روش درآمد که در آن مجموع درآمد‌های حاصل از فعالیت‌های اقتصادی طی یک دوره معین محاسبه می‌شود و نشان‌دهنده توزیع درآمد میان عوامل تولید است، درآمد ملی برابر است با حاصل جمع حقوق، اجاره، بهره، سود و درآمد حاصل از سرمایه می‌باشد. این روش به‌علت اینکه مبتنی بر اظهارنامه مالیاتی است در اغلب کشورها روش مناسبی نمی‌باشد (Kuznets, 1946).

۲. روش ارزش افزوده که به آن روش تولید نیز می‌گویند. در این روش کالا و عرضه خدمات برای تمامی بخش‌های اقتصادی کشور در یک دوره معین محاسبه می‌شود. برای تعریف مفهوم درآمد ملی، از مفهوم محصول ملی عموماً محصول ناخالص ملی استفاده می‌شود. محصول ناخالص ملی آن محصولی است که یک ملت تولید می‌کند بدون اینکه احتساب مجدد صورت گیرد. مقدار تولید احتساب مجدد



نشده، ارزش محصول اقتصاد مورد نظر را نشان می‌دهد. یعنی نباید ارزش کالاها که در تولید سایر کالاها به کار می‌رود دو بار به حساب آورد. یک بار ز مان تولید و بار دیگر در ارزش کالاهایی که در آنها به کار رفته است. برای مثال گندم که در بخش کشاورزی تولید می‌شود و این گندم به آرد و سپس به نان تبدیل می‌شود فقط باید قیمت نان را به حساب آورد. به عبارت دیگر محصول ناخالص ملی از جمع ارزش افزوده حاصل از کالاهای واسطه‌ای به دست می‌آید. در کشورهایی که بخش عمده درآمد مالیاتی را از مالیات بر ارزش افزوده به دست می‌آورند این روش را ترجیح می‌دهند.

۳. روش هزینه در این روش، درآمد یک کشور برحسب هزینه‌های پولی صرف شده به دست می‌آید. این روش تضمین می‌کند که کالاهای مورد نظر احتساب مجدد نمی‌شود. به بیان دیگر یک راه برای برآورد محصول ناخالص ملی کشور در یک سال این است که کالاها و خدماتی که وارد تقاضای نهایی می‌شوند به حساب آورده شود. تقاضای نهایی از جمع تشکیل سرمایه (کالاهای سرمایه‌ای به اضافه تغییر در موجودی) مصرف خصوصی (غذا، پوشاک و...) و همچنین مصرف عمومی (یعنی هزینه‌های مدرسه بیمارستان دفاع و غیره) به دست می‌آید. همچنین ضرورت دارد که صادرات یعنی محصولی که در داخل تولید می‌شود و به کشور دیگر صادر می‌شود و در قبال آن درآمد کسب می‌شود اضافه و با استدلال مشابه واردات کسر گردد. بنابراین می‌توان محصول ناخالص ملی GNP را به صورت ارزش بازاری کالاهای نهایی و خدمات تولید شده توسط یک کشور (ساکنین و غیر ساکنین) در طول دوره معین تعریف کرد. چرا ارزش بازاری، برای اینکه تمامی کالاهای مختلف را بتوانیم جمع بزنیم از کالاهای نهایی استفاده می‌شود تا محاسبه مضاعف صورت نگیرد. تولید ملی را محاسبه می‌شود تا سود عملیات برون مرزی و درآمد کارگرانی که در خارج از مرزها کار می‌کنند منظور گردد. این تعریف، عملیاتی مانند خدمات خانم خانه‌دار (غیر بازاری) و عملیات غیر قانونی را حذف می‌کند. ولی تعدادی از اقلام غیر بازاری شامل: دستمزدهای غیر پولی، تولید جنسی کشاورزی، اجاره خانه‌ای که مالک در آن سکونت دارد، و بهره حاصل از واسطه‌گری‌های مالی را پوشش می‌دهد. در حالی که برخی از

اقلام مانند عایدی‌ها و زیان‌های سرمایه، انتقالات دولت و، بهره پرداخت شده توسط دولت و یا مصرف‌کننده منظور نشده است. باید توجه داشت که چون هیچ بازاری برای خدمات دولت وجود ندارد، از این رو مخارج دولت برحسب هزینه ارزش گذاری می‌شود. به علاوه مخارج دولت به عنوان کالاها و خدمات نهایی تلقی می‌شود، حتی اگر برخی از این هزینه‌ها واسطه‌ای باشند.

GDP محصول ناخالص داخلی ارزش پولی کلیه کالاها و خدماتی است که در داخل مرزهای جغرافیایی یک کشور در یک دوره زمانی مشخص تولید می‌شود. بنابراین برای کشورهایی که نیروی کار مهاجر دارند بین این دو محصول تفاوت زیادی وجود دارد. در آخرین نسخه SNA فقط از واژه GDP استفاده شده است. ولی هنوز کشورها و همین‌طور سازمان‌های بین‌المللی GNP را گزارش می‌کنند. هرچند برای اهداف بررسی روند تغییرات رفاه اقتصادی یک کشور محصول ملی مناسب‌تر از محصول داخلی است. با استهلاک باید مثل کالای واسطه‌ای رفتار شود. آن قسمت از محصول که صرف استهلاک می‌شود از سرمایه جدا شود، چون باعث ایجاد تولید اضافی نمی‌گردد. هرچند در عمل محاسبه استهلاک مشکل است، کدهای مالیات، نرخ‌های جبران استهلاک را برای انواع مختلف تجهیزات سرمایه‌ای تعیین می‌کنند. محصول ناخالص ملی منهای استهلاک (NNP) محصول خالص ملی را نشان می‌دهد. درآمد ملی (NI) کل درآمد کسب شده توسط یک کشور از تولید کالاها و خدمات را نشان می‌دهد. تفاوت آن با NNP در حذف مالیات غیر مستقیم تجاری (مانند مالیات بر فروش است) و وارد کردن پارانه‌های تجاری است.

درآمد شخصی (PI) درآمدی است که خانوارها و شرکت‌های غیر سهامی دریافت می‌کنند. برخلاف درآمد ملی، درآمد شخصی درآمدهای انباشته (درآمدی است که شرکت‌ها کسب کرده‌اند ولی به صاحب آن پرداخت نشده است) را شامل نمی‌شود. ولی درآمد بهره‌ای خانوار و انتقالات دولت را در بردارد. درآمد ملی و درآمد شخصی هر دو به صورت خالص بعد از کسر هزینه‌های واسطه‌ای تعریف می‌شوند. تعیین مرز بین محصولات نهایی و واسطه‌ای بعضی اوقات مشکل است (Simons, 1938). بالأخره درآمد قابل تصرف (DPI) برابر است

را با مشکل مواجه می‌کند. به همین جهت برای مقایسه بین کشوری از درآمد برحسب برابری قدرت خرید استفاده می‌شود. همچنین از شاخص‌هایی مانند شاخص توسعه انسانی (HDI)، شاخص رفاه اقتصادی پایدار (ISEW)، (UNDP, 2015;)، (Lawn, 2003)، شاخص پیشرفت اصیل (GPI)، (Hamilton,)، (1999)، شاخص ناخالص شادکامی (GNH)، (Helliwell et al., 2016)، و درآمد ملی پایدار (SNI) (Kuik, 1999)، استفاده می‌شود.

کتاب‌شناسی

مرکز آمار ایران. (۱۳۹۴). سیستم حساب‌های ملی ۲۰۰۸. مرکز آمار ایران.

Hamilton, C. (1999). The Genuine Progress Indicator: Methodological Developments and Results form Australia. *Ecological Economics*, 30, 13-28.

Helliwell, J., Layard, R., and Sachs, J. (Eds.). (2016). *World Happiness Report 2016*. Sustainable Development Solutions Network.

Kuik, O. J. (1999). Accounting for the Environment: An Overview and Assessment of Approaches. In H. Verbruggen (Ed.), *Interim Report on Calculations of a Sustainable National Income According to Huetting's Methodology* (pp. 3-26). Institute for Environmental Studies.

Kuznets, S. (1946). *National Income: A Summary of Findings*. National Bureau of Economic Research.

Lawn, P. A. (2003). A Theoretical Foundation to Support the Index of Sustainable Economic Welfare (ISEW), Genuine Progress Indicator (GPI), and Other Related Indexes. *Ecological Economics*, 44(1), 105-118.

Simons, H. (1938). *Personal Income Taxation: the Definition of Income as a Problem of Fiscal Policy*. University of Chicago Press.

UNDP (2015). *Human Development Report 2015: Work for Human Development*. UNDP.

United Nations. (1953). *A System of National Accounts and Supporting Tables* (Series F, No.2). file:///C:/Users/m. nikokar/Downloads/1953SNA.pdf

زهرا افشاری

استاد اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران

با درآمد شخصی منهای مالیات شخصی و پرداخت‌های غیر مالیاتی معین اقتصاد غیر رسمی به صورت بخشی از اقتصاد تعریف می‌شود که مالیات نمی‌پردازد، توسط دولت مورد نظارت قرار نمی‌گیرد و در تولید ناخالص ملی وارد نمی‌شود. هر چند این بخش از نظر پرداخت مالیات، قوانین کار و یا تأمین اجتماعی از نظر دولت مخفی می‌ماند، ولی از سایر جنبه‌ها قانونی است. اقتصاد غیرقانونی شامل درآمدهای تولید شده فعالیت‌هایی است که در دامنه فعالیت‌های تجاری قانونی قرار نمی‌گیرند. اقتصاد غیرقانونی در تولید و توزیع کالاهای ممنوعه مانند مواد مخدر، ترافیک اسلحه، و فحشا مشارکت دارند. اقتصاد گزارش نشده شامل درآمدهایی است که باید به مأمور مالیاتی گزارش می‌شد ولی گزارش نشده است. معیار اندازه‌گیری آن تفاوت بین تفاوت بین درآمدهای مالیاتی بالقوه براساس نظر مقام مالی و مقدار مالیات جمع شده است (شکاف مالیاتی). اقتصاد «پوشش داده نشده» شامل فعالیت‌های اقتصادی است که درآمدشان را گزارش نمی‌کنند، به عبارت دیگر درآمدی که باید در حساب‌های ملی گزارش می‌شد ولی وارد نشده است. متدهای جدیدی برای برآورد اندازه این بخش پیشنهاد شده است، ولی هنوز اندازه‌گیری این بخش آسان نیست. هر چند از GNP به عنوان یک شاخص اندازه‌گیری رفاه اقتصادی استفاده می‌شود، معهذاً، محدودیت‌هایی برای استفاده از این شاخص به عنوان یک شاخص رفاهی وجود دارد. مانند لحاظ نکردن عوامل خارجی (مانند آلودگی هوا، ازدحام و تخریب‌های زیست محیطی)، تولیدات غیر بازاری (کار خانگی و تولید معیشتی). به علاوه این شاخص نابرابری در توزیع درآمد را منعکس نمی‌کند. مشکلات زیادی برای استفاده از GNP به عنوان شاخصی برای مقایسه تغییرات زمانی GNP در درون یک کشور وجود دارد. برای مقایسه و وضعیت رفاهی در طول زمان باید تغییرات شاخص قیمت‌ها منظور شود. از این رو لازم است که محصول حقیقی برآورد شود. هر چند مقایسه تغییرات سطوح قیمت به علت تغییر در کیفیت کالاها و یا تنوع کالاهای در دسترس و الگوی مصرف کار آسانی نیست. استفاده از GNP به عنوان شاخصی برای مقایسه بین کشوری نیز مشکلات عدیده‌ای دارد. اول اینکه نرخ ارز کشورها نمایانگر تفاوت‌های جهانی در سطوح قیمت و یا برابری قدرت خرید را منعکس نمی‌کند. به علاوه تفاوت در سطوح زندگی در بین کشورها و تفاوت در الگوی مصرف، ساختار قیمت‌های نسبی و امکان مقایسه قابل اعتماد و معنادار درآمد ملی بین کشورها